

جامعه‌شناسی و دیدگاه تلفیقی

گفت و گو با عبدالله نجفی اصل، دبیر جامعه‌شناسی استان بوشهر

گفت و گو: محمود اردو خانی

اشاره

عبدالله نجفی اصل، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است. او سال‌ها دبیر جامعه‌شناسی دبیرستان‌های استان بوشهر و در عین حال، مدرس مراکز تربیت‌معلم، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، و دانشگاه علمی- کاربردی بوده است. نجفی مقالات بسیاری به رشته تحریر در آورده است و مقاله او با عنوان «پوشش ایرانیان» سبب شد که به عنوان پژوهشگر برتر اداره ارشاد اسلامی استان بوشهر برگزیده شود. طرح‌های تحقیقاتی بسیار نیز ارائه داده که از آن جمله است: «حساس امنیت اجتماعی در استان بوشهر» با او در مورد رابطه زیست اجتماعی و زیست طبیعی به گفت و گو نشستیم.

○ آموزش و پرورش، به عنوان یک نمونه از محیط زیست اجتماعی، از نظر شما دارای چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی است؟ شما برای این محیط زیست اجتماعی چه مشخصه‌هایی قائل هستید؟

● در کتاب‌های جامعه‌شناسی، محیط زیست اجتماعی محیطی تعریف شده است که خودبه‌خود تحت تأثیر هنجارها، آموزش‌ها، قوانین و اصلاً خودساختار جامعه است. حالا این جامعه را چه جامعه بزرگ ایران حساب کنیم، چه جامعه کوچکی مثل استان بوشهر.

○ ارزیابی شما از محیط زیست اجتماعی

آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و استان مثبت است یا منفی؟

● نمی‌توان محیط زیست اجتماعی آموزش و پرورش را به‌تنهایی مورد بررسی قرار داد و این رابطه را باید بین بخشی بررسی کرد. در کتاب‌های دوره دبیرستان هم مشاهده می‌کنیم که این رابطه از بیرون است. یعنی حکومت، دین، رسانه‌ها و حتی نوع پوشش خانواده هم بر محیط زیست اجتماعی آموزش و پرورش تأثیر دارند.

در آموزش و پرورش کار زیاد شده است، اما عواملی هم وجود دارند که با وجود آن‌ها نمی‌توانیم به ایده‌آل‌هایمان به‌راحتی برسیم. از جمله این عوامل اینترنت و ماهواره است که به‌عنوان وسایل ارتباط جمعی روی آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارند.

○ این موارد چگونه مانع رسیدن به ایده‌آل‌ها می‌شوند؟

● مثلاً موبایل دانش‌آموزان حاوی عکس‌هایی است که با آن چه معلم در کلاس دین و زندگی یا علوم اجتماعی می‌گوید، تعارض زیادی دارد. یعنی در کلاس مطالب مثبتی به دانش‌آموز می‌گوییم، اما او از جاهای دیگر ماهواره، اینترنت و حتی خیابان، تأثیرات منفی می‌پذیرد. البته نکات مثبت زیادی هم وجود دارند؛ مثل کلاس هوشمند، نرم‌افزارهایی که وجود دارند و حتی خود اینترنت که دنیای علم است

و به‌روزرسانی آن می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی روی آموزش و پرورش داشته باشد. وقتی به محیط خانواده در گذشته نگاه می‌کنید، می‌بینید خانواده‌ها هم به بچه‌ها آموزش می‌دادند. یعنی دو نهاد آموزشی داشتیم: ابتدا خانواده و بعد مدرسه. اما در حال حاضر وسایل ارتباط جمعی با آموزش‌های مجازی، از خانواده و مدرسه بیشتر تأثیر دارند. در این میان، نقش خانواده مؤثرتر از مدرسه است. ما تنها شش ساعت در روز با دانش‌آموز در مدرسه هستیم او بیشتر اوقات روزانه خود را در

در آموزش و پرورش کار زیاد شده است، اما عواملی هم وجود دارند که با وجود آن‌ها نمی‌توانیم به ایده‌آل‌هایمان به‌راحتی برسیم. از جمله این عوامل اینترنت و ماهواره است که به‌عنوان وسایل ارتباط جمعی روی آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارند

خانواده می‌گذرانند. فیلم‌های خارجی دوبله شده به فارسی که از ماهواره پخش می‌شوند، فرهنگ ما را از ریشه تغییر می‌دهند. متأسفانه پدر و مادر و اهل خانه می‌گویند ما که کاری نمی‌کنیم، یک فیلم سرگرم‌کننده تماشا می‌کنیم. اما همین فیلم‌ها موجب تضعیف جامعه ایرانی-اسلامی و هنجارهای آن می‌شوند.

○ به نظر شما چاره چیست؟ چگونه می‌توانیم با این‌گونه فیلم‌ها مقابله کنیم؟

● چاره این است که صدا و سیما جمهوری اسلامی باید برنامه‌های متنوع داشته باشد. برای مثال، زمانی که «شب‌های برره» پخش می‌شد، کسی به سراغ فیلم‌های دیگر نمی‌رفت. اما امروز می‌بینیم برنامه‌های ماهواره متنوع شده است. اگر صدا و سیما ما و رسانه‌های جمعی داخلی بتوانند خوراک رسانه‌ای خوبی را به مخاطبان بدهند، خودبه‌خود اخبار، گزارش‌ها و فیلم‌های آن‌ها به گورستان سپرده می‌شوند.

○ رابطه محیط زیست اجتماعی را با محیط زیست طبیعی چگونه می‌بینید؟

● رابطه آن‌ها متقابل و دوطرفه است. ممکن است بعضی بگویند محیط زیست اجتماعی روی محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد، ولی من معتقد هستم که این رابطه دوطرفه است. آقای منتسکیو که حقوق دانی فرانسوی است، عقیده دارد که حکومت‌داری با توجه به آب و هواست. مثلاً حکومت‌های جمهوری معمولاً در نوع آب و هوای خاص تشکیل می‌شوند و حکومت‌های استبدادی مخصوص آب و هوای سرد هستند.

شیوه حکومت یک زیست اجتماعی است. محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی تأثیر متقابل دارند. در زلزله بم، محل سکونت و زیست اجتماعی مردم دچار تغییر شد؛ چون شکل زندگی و خانه‌های باستانی را که در آن‌جا بود، تغییر یافت؛ مثل ارگ بم. محیط اجتماعی هم از طریق قوانین و هنجارها روی محیط طبیعی تأثیر می‌گذارد.

○ شهروندان بوشهری تا چه حد با نهادهای رسمی-اجتماعی و وظایف و عملکرد آن‌ها آشنا هستند؟

● ضعفی که در جامعه ما حتی بین قشرهای آموزش‌دیده دانشگاهی مشاهده می‌شود، ناآشنایی با حقوق خودمان است. ما وقتی به دادگاه، شهرداری، مخابرات و... مراجعه می‌کنیم، از حقوق خود آگاه نیستیم و لذا اول به دنبال رابطه می‌گردیم. این خیلی وقت‌ها موجب می‌شود که به حقوق دیگران نیز تجاوز کنیم.

نظریات غربی را در کتاب‌ها نقد کنیم. بهتر است از همین دوره دبیرستان شروع کنیم تا به دانشگاه برسیم. این که بعضی موارد را بی‌دلیل حذف کنیم، به نظر من درست نیست. بهتر است در کتاب جامعه‌شناسی تلفیقی از نظریات غربی و اسلامی و نقد نظریات غربی آورده شود

○ برای بهبود این وضعیت نقش آموزش و

پرورش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● نقش آموزش و پرورش مطمئناً خیلی پررنگ است. در نظر بگیریید دانش‌آموزی که از کلاس اول دبستان به‌عنوان همیار پلیس فعالیت می‌کند و در دبیرستان کتاب قوانین اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و درس‌های پرورشی را آموزش می‌بیند، دانش‌آموز ناآگاهی نخواهد بود. من فکر می‌کنم صدا و سیما ناگزیر است که با آموزش و پرورش مشارکت کند. به قول یکی از همکاران، وقتی ما در

مدرسه چیزی را آموزش می‌دهیم بعد در خارج از مدرسه چیز دیگری می‌بینیم، این‌ها موجب تعارض می‌شود.

من خودم معلم هستم و آموزش و پرورش را هم مقصر می‌دانم، چون نتوانسته است به‌طور کامل آن‌چه را لازم است آموزش بدهد. ولی بنده می‌گویم نهاد آموزش و پرورش، شهرداری، نیروی انتظامی، و صدا و سیما اگر با هم خوب کار کنند، می‌توانند آگاهی‌های لازم را به جامعه بدهند. مثلاً اگر در خانواده کودک را رها کنند، او در آینده از حقوق خودش آگاهی نخواهد داشت.

○ نظر تان را در مورد نوروز، جایگاه آن در فرهنگ اسلامی و شاخص‌هایی که در زیست اجتماعی مردم استان ایجاد می‌کند بفرمایید؟

● نوروز مثال بسیار جالبی است برای ارتباط بین محیط‌زیست اجتماعی و طبیعی. مراسم و آداب نوروزی نشان از تأثیر محیط‌زیست اجتماعی روی محیط‌زیست طبیعی دارد. سال را با دعای مخصوص یا مقلب‌القلوب شروع می‌کنیم که این ناشی از علاقه ما به نگرش اسلامی و روایات است.

در زیست‌اجتماعی بوشهر نوروز جایگاه خاصی دارد. دیدوبازدیدها، سبزه، ماهی و بومی‌گرایی را می‌توان تأثیر نوروز بر محیط‌زیست اجتماعی استان دانست.

○ دغدغه‌های آقای عبدالله نجفی اصل،

دبیر جامعه‌شناسی استان بوشهر در مورد آموزش و پرورش چیست؟

● از تغییر کتب درسی مثل جامعه‌شناسی که به‌روز شده‌اند، خوش حال هستم و دیگر آن حالت‌های تکراری وجود ندارد. اما پیشنهاد می‌کنم در مورد کتاب جامعه‌شناسی از مفاهیم غربی هم استفاده کنیم و نظرات آن‌ها را هم در مورد پدیده‌های اجتماعی داشته باشیم. مثلاً در مورد عدالت، تلفیقی از دیدگاه‌های اسلام و قرآن و نظریات حضرت علی(ع) را داشته باشیم.

ضعفی که در جامعه ما حتی بین قشرهای آموزش دیده دانشگاهی مشاهده می‌شود، ناآشنایی با حقوق خودمان است. ما وقتی به دادگاه، شهرداری، مخابرات و... مراجعه می‌کنیم، از حقوق خود آگاه نیستیم و لذا اول به دنبال رابطه می‌گردیم

نظریات غربی را در کتاب‌ها نقد کنیم. بهتر است از همین دوره دبیرستان شروع کنیم تا به دانشگاه برسیم. این که بعضی موارد را بی‌دلیل حذف کنیم، به نظر من درست نیست. بهتر است در کتاب جامعه‌شناسی تلفیقی از نظریات غربی و اسلامی و نقد نظریات غربی آورده شود. رشته‌های علوم انسانی با رشته طبیعی و ریاضی تفاوت دارند. در آن‌ها $2 \times 2 = 4$ می‌شود، اما در علوم انسانی این‌طور نیست.

در مورد نیروی انسانی، من وقتی می‌بینم

که معلمان ما دغدغه معیشت دارند و چندشغله هستند، اصلاً برایم قابل قبول و پسندیده نیست. امیدوارم که جناب وزیر و دولت کاری کنند که معلمان ما از لحاظ معیشت به جایی برسند که دیگر چندشغله نباشند.

دغدغه دیگرم در رابطه با خانواده‌هاست که نباید اجازه بدهند دانش‌آموزان هر میزان که می‌خواهند از وسایل ارتباط جمعی استفاده کنند. دانش‌آموزانی را می‌بینیم که بلوتوث‌ها، اینترنت، ماهواره و جاذبه‌های خیابانی برایشان مهم‌تر از کتاب و محتوای درسی شده و این برای آموزش و پرورش و خانواده هم چالش و هم ضعف است. نکته دیگر این که کسانی در آموزش و پرورش مشغول شوند که سیاسی نباشند و افراد سیاسی پست آموزشی نگیرند. کسانی پست آموزشی بگیرند که واقعاً تخصص آموزشی داشته باشند.

○ فکر نمی‌کنید این خواسته و تعریف شما جامعه‌شناسانه نیست؟
● چرا. این فلسفی است و من قبول دارم، چون ما در فلسفه می‌گوییم اما باید در جامعه‌شناسی هم بگوییم آن‌چه هست. به هر صورت امیدوارم افراد آموزشی بیایند. من دوست داشتم آقای حاجی‌بابایی وزیر شود، چون خودش معلم است. ولی در بعضی دوره‌ها، مسئولان معلم نبودند و در حق کتاب، درس، تعلیم و تربیت، و آموزش و پرورش اجحاف شد.

○ آیا افراد سیاسی هم حق دارند بگویند

که آموزشی‌ها سیاسی نشوند؟ این‌گونه که نمی‌شود، بالاخره سیاست‌مدار هم دارای یک سلسله تفکرات آموزشی است. اصولاً چگونه می‌توانیم بین فرد سیاسی، جامعه‌شناس، و آموزش و پرورش مرزبندی کنیم.

● منظورم این بود که مثلاً در بین سیاسیون، فردی مثل آقای حاجی‌بابایی که هم سیاسی و هم معلم است، مناسب‌تر است. اگر مرا در نهاد اقتصادی بگذارند، جواب نمی‌دهد و در نهاد آموزشی مؤثرتر خواهیم بود.

